



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون
موضوع جزئی: ۳. اجماع منقول - بررسی حجیت اجماع مدرکی - اقوال - قول اول:
عدم حجیت مطلقا - ادله قول اول - دلیل اول و دوم و سوم
تاریخ: ۵ خرداد ۱۴۰۳
مصادف با: ۱۶ ذی القعدة ۱۴۴۵
جلسه: ۱۱۲
سال پانزدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بررسی حجیت اجماع مدرکی

بحث رسید به اجماع مدرکی؛ می خواهیم ببینیم اجماع مدرکی یا محتمل المدرکیه حجیت و اعتبار دارد یا خیر؟ این یک بحث مهمی است و البته شاید با این اصطلاح در کتب قدما وجود ندارد، بلکه بیشتر در لسان متأخرین از اصولیین مطرح شده و درباره آن بحث صورت گرفته که آیا حجت است یا خیر؟

متأخرین اجماع را بر دو قسم تقسیم کردند: ۱. اجماع تبعدی؛ ۲. اجماع مدرکی.

اجماع تبعدی یعنی اجماعی که صرفا به واسطه تبعد کاشف از رأی معصوم است، اجماعی است که به هیچ دلیلی استناد ندارد، پای اطلاق و عموم و آیه و روایتی در کار نیست بلکه نفس این اتفاق کاشف از رأی و نظر معصوم است.

اجماع مدرکی یعنی آن اجماعی که در آن مستند و مدرک مجمعی معلوم است یا حداقل محتمل است. در اجماع مدرکی همراه با اجماع ادله دیگری هم وجود دارد و معلوم است که مستند مجمعی چیست که به این می گویند اجماع معلوم المدرکیه و گاهی مستند مجمعی معلوم نیست ولی احتمال استناد مجمعی به دلیل و آیه و روایتی داده می شود که به این می گویند اجماع محتمل المدرکیه.

این تقسیم بندی بیشتر در لسان متأخرین وجود دارد، مثلا شیخ انصاری در مکاسب کثیرا اصطلاح «و یدل علیه قبل الاجماع» و «یدل علیه بعد الاجماع» را به کار برده است منظور ایشان از تعبیر یدل علیه بعد الاجماع، اجماع تبعدی است ولی تعبیر و یدل علیه قبل الاجماع اشاره به اجماع مدرکی دارد. یعنی کأنه مجمعی به غیر از اجماع به این ادله هم استناد کرده اند و لذا مستند نظر مجمعی معلوم است یا حداقل احتمالش داده می شود.

به هر حال در کلام قدما این اصطلاح دیده نمی شود، ضمن اینکه هم قدما و هم متأخرین معتقدند ملاک حجیت اجماع کشف رأی معصوم است. ولی اگر متأخرین اجماع مدرکی را نپذیرفتند به این دلیل است که اجماع مدرکی را کاشف از رأی معصوم نمی دانند، بنابراین در اصل ملاک حجیت اختلافی وجود ندارد. حال ما یک اشاره ای به اقوالی که پیرامون اجماع مدرکی است داشته باشیم و بعد انشاء الله آنها را بررسی کنیم.

اقوال

۱. قول به عدم حجیت مطلقا که این اطلاق با توجه به تفصیلی که برخی داده اند معلوم خواهد شد. برخی از کسانی که قائل به عدم حجیت اجماع مدرکی مطلقا شده اند عبارتند از: میرزای قمی^۱، صاحب فصول^۲، شیخ انصاری^۳، محقق خراسانی^۴، محقق همدانی^۵، محقق خوبی^۶ اینها قائل به عدم حجیت اجماع مدرکی هستند.

۲. در مقابل جمعی قائل به حجیت اجماع مدرکی هستند مطلقا از جمله مرحوم نراقی^۷، از مراجع معاصر نیز حضرت آیت الله زنجانی نیز قائل به حجیت اجماع مدرکی است.

۳. تفصیل در مسئله و آن اینکه اگر اجماع مدرکی از زمان ائمه(ع) تا زمان متأخرین وجود داشته باشد حجت است چون کاشف از رأی معصوم است اما اگر این چنین نباشد و متصل به زمان معصوم نباشد حجت نیست.^۸ مرحوم نایینی معتقد به این مبناست.

۴. برخی نیز تفصیل دیگری دادند و آن این که اگر اجماع مدرکی برای ما یقین به رأی معصوم به دنبال داشته باشد حجت است اما اگر اجماع مدرکی یقین به دنبال نداشته باشد حجت نیست.

۵. البته یک قول میانه ای هم وجود دارد و آن این که اجماع مدرکی دلیل نیست ولی می تواند مؤید باشد، فرق است بین اینکه ما اجماع مدرکی را به عنوان دلیل معتبر بدانیم یا اینکه بگوییم یک مؤید است. اینکه گفتم بینابین برای این است که بعضی به کلی اصلا این را کنار می گذارند و حتی در حد موید آن را حساب نمی کنند ولی طبیعتا این اجماع می تواند نقش موید را ایفا کند مثل اینکه بعضی خبر ضعیف را به عنوان دلیل قرار نمی دهند ولی آن را به عنوان موید می پذیرند.

این اقوالی است که در مورد اجماع مدرکی بیان شده است.

حال بهتر این است که ما با قطع نظر از اقوالی که در رابطه با اجماع مدرکی وجود دارد و استدلال هایی که برای آن بیان شده است اجماع مدرکی را بر طبق مبانی مختلف که در باب اجماع وجود دارد بررسی کنیم. این بهترین راه است. باید ببینیم اجماع مدرکی طبق مثلا مبنای اجماع دخولی قابل قبول است یا خیر؟ این درست ترین و صحیح ترین راه برای ارزیابی اجماع مدرکی است. یعنی ببینیم آن کسی که اجماع را معتبر می داند به چه ملاکی اعتبار و حجیت اجماع را پذیرفته است. مثلا قائل به اجماع دخولی است یا قائل به اجماع حدسی است. آن وقت بر اساس آن مبنا اجماع مدرکی را ارزیابی کنیم. یعنی اجماع مدرکی را بگذاریم در ترازوی مبنای حجیت اجماع و چگونگی کشف رأی معصوم. این یک راهی است که به نظر می رسد در این مسیر می تواند به ما کمک کند. اما قبل از آن، مناسب است یک اشاره اجمالی به ادله کسانی داشته باشیم که قائلند اجماع مدرکی حجیت ندارد و اینها را مورد ارزیابی قرار دهیم.

^۱ قوانین، ج ۲، ص ۴۳۲.

^۲ فصول، ص ۴۴.

^۳ رسائل، ج ۱، ص ۹۲.

^۴ حاشیه فرائد الاصول ص ۱۲۳؛

^۵ مصباح الفقیه، ج ۱، ص ۱۷۳.

^۶ اجود التقریرات، ج ۲، ص ۹۸.

^۷ عوائد الایام ص ۷۱۲.

^۸ فوائد الاصول، ج ۳، ص ۱۵۱.

ادله قول اول

چند دلیل بر عدم حجیت اجماع مدرکی بیان شده است. اینها از لا به لای کلمات به دست می آید.

دلیل اول

اساساً حجیت اجماع به جهت کاشفیت از رأی معصوم است. ما چرا اجماع را حجت می دانیم؟ زیرا معتقدیم اجماع کاشف از رأی معصوم است. حال به هر طریقی. وقتی اجماع مدرکی باشد معنایش این است که مستند و دلیل مجمعی معلوم است. یعنی ما می دانیم مجمعی بر اساساً چه دلیلی این فتوا را داده اند، همه یک فتوا داده اند و دلیل همه نیز برای ما معلوم است. لذا اگر ادله معلوم باشد چه بسا ما خود وقتی به آن ادله رجوع کنیم یک فتوای دیگری بدهیم. واقعاً اگر پای یک دلیل لفظی مثل آیه و روایت در کار باشد، چه بسا ما یک معنای دیگری را استظهار کنیم. اگر یک دلیل لیبی و غیر لفظی باشد مثل عقل، چه بسا ما در مقدمات آن دلیل عقلی یا در محتوای استدلال و صورت قیاس خدشه کنیم و اصلاً یک رأی دیگری پیدا کنیم. اگر اینچنین باشد این اجماع دیگر کاشف از رأی معصوم نیست.

سوال:

استاد: منظور این است که چون چنین احتمالی وجود دارد که با بررسی مستندات و ادله مجمعی یک فتوای دیگری صادر شود، پس این حاکی از این است که این اجماع دیگر به نحو قطعی کاشف از رأی معصوم نیست. همینقدر که ما پای این احتمال را باز کنیم این کافی است که دیگر نتوانیم بگوییم کاشف از رأی معصوم است. یک روزنه باز می شود... خود همین احتمال مشکل درست می کند، می گوییم اصلاً احتمال دارد که ما در مواجهه با این مستندات یک رأی غیر از آنها داشته باشیم، می گویند بله و این احتمال قابل نفی نیست و وجود دارد. نفس این احتمال دیگر مانع قطعیت کشف رأی معصوم می شود.

سوال:

استاد: آن یک راه حدس است. حدس خودش چند طریق دارد، یکی راه محقق بروجردی است که با حدس منافات ندارد، ایشان هم می گویند ما حدس قطعی می زنیم رأی معصوم را به این صورت یعنی به صورت کلی بین اتفاق نظر مجمعی و رأی معصوم ملازمه عادی نیست. فرق نظر محقق بروجردی با دیگران که ملازمه عادی را قبول دارند در همین است، آنها می گویند به طور کلی بین اتفاق نظر علما و رأی معصوم ملازمه عادی وجود دارد، ایشان می گویند، نه این ملازمه عادی در این فرض است. لذا منافاتی با حدسی که دیگران می گویند ندارد. اصلاً این که می گوییم اجماع بر دو نوع است، حدسی و حسی، یعنی اگر وجوه کاشفیت نظر مجمعی از رأی معصوم را برشماریم از این دو حال خارج نیست، یک قسم حساً رأی معصوم را برای ما کشف می کنند مثل قائلین به اجماع دخولی و تشریفی و بنابر یک جهتی اجماع لطفی و اگر غیر از این باشد می شود حدسی، یعنی دیگر پای حس در کار نیست. حال آن حدسی که منظور حدس قطعی است یا از راه ملازمه عقلی یا ملازمه عادی یا اتفاق حاصل می شود.

سوال:

استاد: اصلاً همین است، کاشفیت از رأی معصوم عین حجیت اجماع است... ما هنوز به دلائل نرسیدیم، ما هنوز ادله قائلین به عدم حجیت را می گوییم.

پس این مهمترین دلیل عدم حجیت اجماع مدرکی است.

چند دلیل دیگر هم بیان شده است که بعضی به همین بر می گردد.

دلیل دوم

اجماع در واقع یعنی اتفاق در رأی لکن هر یک از این اتفاق کنندگان و مجمعین چگونه به این نظر رسیده اند؟ یعنی همه به استناد این ادله نظرشان یکی شده است، معنای اجماع مدرکی یعنی همین. یعنی مدرک معلوم و مجمعین با مراجعه به این ادله نظرشان واحد شده، پس در واقع اجماع مدرکی بر این پایه استوار است که همه از این ادله فهم واحد دارند. سوال این است که آیا فهم دیگران برای ما حجیت دارد؟ استنباط دیگران برای ما اعتبار دارد؟ آیا ما به صرف اینکه همه از این ادله این را فهمیدند ملزمیم که همین را بفهمیم؟ قطعاً اینچنین نیست. پس اجماع اینجا خاصیتی ندارد، ما می رویم سراغ ادله ای که می دانیم مجمعین بر اساس این فتوا داده اند. این ادله را بررسی می کنیم، یا فهم ما مطابق آنهاست، بدیهی است فهم ما برای ما حجت است یا مطابق آنها نیست یعنی برداشتی که از این ادله کرده ایم، یا رأی ما بر خلاف دیگران است. پس آنچه ما فهمیدیم برای ما حجت است و کاری به فهم دیگران نداریم. لذا اجماع اینجا هیچ نقشی اینجا ندارد. پس اگر اجماع مدرکی باشد تبدیل به یک امر کاملاً بی خاصیت می شود.

دلیل سوم

اجماع به دلیل کاشفیت از رأی معصوم حجت دانسته شده است. حال اگر فرض کنیم مستند مجمعین روایات باشد، اینجا دیگر اجماع اعتبار ندارد زیرا اجماع به خاطر کشف از رأی معصوم حجت شده است. پس در حقیقت حجیت اجماع در رتبه بعد از حجیت روایات قرار می گیرد به عبارت دیگر حجیت اجماع در طول حجیت روایت است و در عرض هم نیستند. حال اگر فرض کنیم آن روایاتی که مجمعین به آن استناد کردند از دید ما اعتبار نداشته باشد، آن وقت به اتفاق نظر حاصل از این روایات می توان استناد کرد؟ خیر.

پس در مجموع به این ادله استناد کردند و به این چند دلیل گفتند اجماع مدرکی حجت نیست.

بحث جلسه آینده

بررسی ادله قائلین به عدم حجیت اجماع مدرکی مطلقاً.

«والحمد لله رب العالمین»